

درختکاری

به دستِ خود درختی می نشانم
 کمی تخمِ چمن بر روی خاکش
 درختم کم کم آرد برگ و باری
 چمن روید در آنجا سبز و خرم
 به تابستان که گرما رو نماید
 خنک می سازد آنجا را از سایه
 به پایش جوی آبی می کشانم
 برای یاد گاری می فشانم
 بسازد بر سرِ خود شاخساری
 شود زیرِ درختم سبز زاری
 درختم چترِ خود رامی کشاید
 دلِ هر رهگذر رامی رباید
 عباس یحیی شریف

فرهنگ (Glossary) :

brings, grow	لاتا ہے (مُراد اگتا ہے)	آرد
fruit	میوہ، پھل	بار
path	راستہ	رهگذر
branch of a tree	شاخ	شاخسار
I shower	میں چھڑکتا ہوں	می فشانم
sow (tree)	میں بٹھاتا ہوں (درخت)	می نشانم
Umbrella, (i.e. shadow of tree)	چھتری (مُراد درخت کا سایہ)	چتر
greenary	ہریالی	سبز زار

پُرسش / Exercise

- (۱) شاعر بادستِ خود چه می کرد؟
- (۲) شاعر جوی آبی به پای درخت چرا می کشاند؟
- (۳) ”درختم چترِ خود رامی کشاید“ یعنی چه؟
- (۴) ”دلِ هر رهگذر رامی رباید“ یعنی چه؟
- (۵) چه کارهایی ممکن است که درخت را آسیب برساند؟
- (۶) شماتاکنون چند تادرخت کاشته اید؟
- (۷) چه وقت باید درخت کاشت؟
- (۸) نام سه درخت را که می شناسید بنویسید۔
- (۹) از کلمه های زیر جمله بسازید۔

کتابی - شخصی - روزی - داستانی - کودکی

